



طبقه‌بندی تشبیهات در دو مجموعه داستان «چمدان» و «ورق پاره‌های زندان» از بزرگ علوی*

میثم زارع^۱

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز

چکیده

بزرگ علوی یکی از پیشگامان داستان‌نویس ایران است که مانند همه نویسندگان در نوشته‌های خود از علم بیان به ویژه رکن مهم آن - تشبیه - سود جست است. در این نوشتار تلاش بر این است تا از طریق روش توصیفی - تحلیلی، تشبیهاتی که علوی در دو مجموعه داستان «چمدان» و «ورق پاره‌های زندان» به کار برده است، مورد بررسی قرار گیرد. علوی در داستان «چمدان» که دید چپ‌گرایانه آشکاری ندارد، تشبیهاتش بیشتر معطوف به توصیف زنان و طبیعت است؛ اما در «ورق پاره‌های زندان»، تشبیهاتش بیشتر با زمینه اندیشه چپی همراه است و می‌توان ردپای اندیشه مارکسیستی را در آن دید. علوی در تشبیهات بیشتر به توصیف اشخاص، زندان، اشیا و... پرداخته است. «تشبیه مرکب» نیز بیشتر تشبیهات آثار بزرگ علوی را شامل می‌شوند.

واژه‌های کلیدی: بزرگ علوی، چمدان، ورق پاره‌های زندان، تشبیه.

*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۱۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۵/۰۸.

^۱ E-mail: meysamzare3750@yahoo.com



The Classification of Similes in the Novels *Chamedan (The Suitcase)* and *Varagh Pareha-ye Zendan (Scrap Papers from Prison)* Written by Bozorg Alavi *

Meitham Zare¹

Ph.D. Student in Persian Language and Literature, University of Shiraz

Abstract

Bozorg Alavi is one of the pioneer Iranian novelists who has applied figures of speech -especially simile- in his stories like all other writers. Using descriptive analysis, this study attempts to survey the similes used by Alavi in his two novels “*Chamedan*” and “*Varagh Pareha-ye Zendan*”. In the novel “*Chamedan*” which does not have an explicit left-wing perspective, Alavi uses simile mostly to describe women and nature; while in the novel “*Varagh Pareha-ye Zendan*”, his similes contain left-wing thoughts and they can be traced back to Marxist views. In his similes, Alavi has mostly described people, prison, things, and so on. Most of his metaphors include “compound simile”.

Keywords: Bozorg Alavi, *Chamedan (The Suitcase)*, *Varagh Parehaye Zendan (Scrap Papers from Prison)*, Simile

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* Received: 2, Feb., 2018; Accepted: 30, July, 2018

¹ E-mail: meysamzare3750@yahoo.com, (Corrsesponding Author)

۱- مقدمه

۱-۱- بیان مساله

«بیان» یکی از حوزه‌های علم بلاغت است که از نویسندگان کلاسیک تا نویسندگان امروز در نوشتن همیشه مورد توجه بوده است. در اصلاح علم بیان «ایراد معنای واحد به طرق مختلف است، مشروط بر این که اختلاف آن طرق (شیوه‌های مختلف گفتار)، مبتنی بر تخیل باشد؛ یعنی لغات و عبارات به لحاظ خیال‌انگیزی نسبت به هم متفاوت باشند (وضوح و خفا داشته باشند). مثلاً به جای «صورت او زیباست»، می‌توانیم بگوییم: چهره او مثل ماه است یا گل است. اما اگر به جای «صورت او مثل گل است» بگوییم: صورت او مثل ورد است، بیانی نیستیم؛ زیرا ورد به عربی همان گل است و از نظر تخیل (تصویر و نقاشی) بین آنها تفاوت نیست» (شمیسا، ۱۳۸۳: ۱۳). رکن مهم علم «بیان»، «تشبیه» است که در داستان بیشتر از سه رکن: «استعاره»، «مجاز» و «کنایه» مورد توجه بوده است. بزرگ علوی یکی از ارکان داستان‌نویسی معاصر نیز از تشبیه در داستان‌هایش بهره برده است که می‌توان با توجه به تشبیهات بکار برده در نوشته‌هایش به اندیشه‌های او پی برد؛ زیرا «انسان به وسیله نحو و کارکردهای خاص زبان ادبی، در جهان شباهت‌ها (تشبیه) و اشارت‌ها (استعاره) و نمادهایی پدید می‌آورد که خاص فرهنگ و اندیشه اوست و حتماً و باید با شباهت‌ها، استعاره‌ها و نمادهای زبان موجودات سیاره‌های دیگر کیهان فرق داشته باشد؛ چراکه لاجرم خود انسان با آنها فرق دارد» (مندنی‌پور، ۱۳۸۴: ۲۳۰). در این نوشتار تلاش بر این است تا دو مجموعه داستان کوتاه علوی یعنی «چمدان» و «ورق پاره‌های زندان»، از نظر تشبیه مورد بررسی قرار گیرد.

۱-۲- روش پژوهش

روش پژوهش در این تحقیق، روش تحلیلی - توصیفی است و برای این منظور پس از مطالعه منابع مربوط، به یادداشت‌برداری از آن‌ها پرداخته شد، سپس با طبقه‌بندی و تحلیل این یادداشت‌ها چارچوب نظامندی برای این تحقیق ارائه گردید.

۱-۳- پیشینه پژوهش

درباره این موضوع مورد بحث این پژوهش تا به حال کاری انجام نگرفته است اما بعضی مقالات که تقریباً مشابه این کار هستند از این قرارند:

مهدی حجوانی در مقاله «کاربردهای علم بیان در ادبیات داستانی» (۱۳۷۵) به بررسی مجاز، تشبیه، استعاره و کنایه در داستان پرداخته و پس تفاوت زبان و ادبیات هر کدام از ارکان بیان را توضیح داده و جملاتی داستانی به عنوان شاهد مثال آورده است. طاهره کوچکیان در مقاله «بررسی عناصر زیباشناختی (آرایه ادبی) دو رمان سال‌های ابری و شوهر آهو خانم» (۱۳۸۹) به این نتیجه رسیده که آرایه‌های لفظی به کار رفته در دو رمان ساده و ابتدایی هستند و همچنین در آرایه‌های معنوی از واقعیت‌های جامعه بهره جسته‌اند. فاطمه راکعی و فاطمه نعیمی حشک‌وایی نیز در مقاله «استعاره و نقد بوم‌گرا؛ مطالعه موردی دو داستان گیله‌مرد و از خم چمبر» (۱۳۹۵) نشان داده‌اند که علوی و دولت‌آبادی به عنوان دو داستان‌نویس چگونه از اقلیم جغرافیایی برای ساختن استعاره سود جسته‌اند.

۱-۴- داستان‌نویسی علوی

درباره نثر نویسی و داستان‌نویسی بزرگ علوی، می‌توان به سخنان مجتبی مینوی و شفیع کدکنی اشاره کرد. مجتبی مینوی، فارسی‌نویسی بزرگ علوی را از صادق هدایت قوی‌تر دانسته و معتقد است که: بزرگ علوی در داستان‌نویسی چهره موفقی است و پژوهشگر نامداری چون شفیع کدکنی نثر علوی را ورزیده‌تر و بی‌عیب‌تر از نثر هدایت دانسته است (مینوی پژوهشگر ستیهنده، ۱۳۵۲: ۱۲). بی‌شک علوی پس از هدایت در پیشرفت داستان‌نویسی به ویژه داستان کوتاه در ایران نقش بسزایی دارد و یکی از رکن‌های داستان‌نویسی ایران به حساب می‌آید. «پس از صادق هدایت بزرگ علوی است که با مضمون‌های مبارزه‌جویانه، داستان‌نویسان را تحت تأثیر قرار داد. داستانهای علوی اغلب خصوصیتی پرخاشگرانه دارد و در این داستانها علوی به نحوی، خود را در برابر جامعه و مردمان زیر فشار و اختناق متعهد می‌داند و داستانهای کوتاه و رمان‌هایش، ویژگی واقع‌گرایی انتقادی دارد» (رستگارفسائی، ۱۳۸۰: ۳۲۲). آشنایی با آثار نویسندگانی نظیر

بزرگ علوی که از واقعیت‌های زندگی الهام می‌گیرند؛ نیازمند این است که با خود زندگی آشنا باشیم و مستلزم این است که در متن اصلی زندگی باشیم؛ علوی نیز خود این موضوع را تأکید می‌کند و می‌گوید: «من می‌خواهم این زندگی را آن طور که هست بیان کنم، نه بزک کرده و نه به حساب آنطور که داستان می‌خواهد باشد. من تصورم از واقع‌گرایی این است و سعی کردم که تصویری واقعی از مردم دور و بر خودمان بدهم» (سجادی، ۱۳۶۹: ۳۴). علوی در نوشته‌هایش از اجتماع الهام می‌گیرد و مشکلات مردم جامعه را در داستان‌هایش بیان می‌کند و «برخلاف هدایت که زندگی روانی، رویاها و کابوس‌های آدم‌ها را نشان می‌دهد، تجربه مشهود و دنیای عینی آدم‌ها را توصیف می‌کند» (بهارلو، ۱۳۷۲: ۱۰۸).

علوی پس از نوشتن مجموعه داستان «چمدان» که نگاهی فرویدی در آن دیده می‌شود و پس از آزادی از زندان به نوشته‌های مبارزاتی و نوشته‌هایی که رنگ نوشته‌های مارکسیستی در آن آشکار است، روی می‌آورد. علوی در داستان‌هایش مانند یک منتقد اجتماعی عمل می‌کند و معتقد است که باید در جامعه تغییرات اساسی صورت گیرد. او «به پیروی از همه اندیشه‌وران اجتماعی گرا، به فرآیند تغییرات بنیادین باور دارد. در نگاه او عدالت اجتماعی، سوسیالیسم، آزادی، محورهای اصلی اندیشه‌های نو به شمار می‌روند. بزرگ علوی کوشیده است مفاهیم بلند را در لابه‌لای داستانش تفهیم کند» (مهدی‌پور عمرانی، ۱۳۸۷: ۱۲۵). در دوره پهلوی یک جریان نویسنده‌گی شکل گرفت، که این جریان تحت تأثیر نفوذ کمونیسم و قدرت گرفتن حزب توده به وجود آمد. نویسندگان وفادار به آرمان‌های این حزب از قالب داستان برای تبلیغ آرا و عقاید خویش استفاده می‌کردند و ادبیاتی را پایه‌گذاری کردند که می‌توان از آن به عنوان «ادبیات مارکسیستی» یاد کرد. بزرگ علوی مهمترین داستان‌نویس این جریان است. البته این موضوع نیز قابل توجه است که علوی خود را تا حد یک نویسنده حزبی مانند احسان طبری پایین نمی‌آورد. «علوی پس از گراییدن به مارکسیسم، کوشیده شیوه به اصطلاح واقع‌بینی سوسیالیستی را به

نوشته‌هایش راه دهد» (کامشاد، ۱۳۸۴: ۱۶۷). این اندیشه‌ها در تشبیهات او نیز به نحو بارزی آشکار است که نشان از تفکرات او دارد.

۱-۵- مجموعه داستان چمدان و ورق پاره‌های زندان

«چمدان» نخستین مجموعه داستان بزرگ علوی یکی از چهار رکن ادبای «ربعه» است. این مجموعه در سال ۱۳۱۳ ه.ش منتشر گشته است. «چمدان» در بردارنده شش داستان کوتاه است که این داستان‌ها عبارتند از: «چمدان» (تاریخ نگارش خرداد ۱۳۱۱ ه.ش)، «عروس هزار داماد» (تاریخ نگارش ۸ شهریور ۱۳۱۱ ه.ش)، «قربانی» (تاریخ نگارش فروردین ۱۳۱۲ ه.ش)، «تاریخچه اتاق من» (تاریخ نگارش آذر ۱۳۱۳ ه.ش)، «سرباز سربی» (تاریخ نگارش دی ۱۳۱۳ ه.ش)، «شیک پوش» (تاریخ نگارش دی ۱۳۱۳ ه.ش). این مجموعه داستان نشان داد که نویسنده بزرگی در ایران پیدا گشته است و علوی با این مجموعه داستان در جامعه محدود روشنفکری و کتابخوان آن روز ایران مطرح و شناخته شد. این مجموعه داستان بیشتر روان‌شناختی است و تأثیر هدایت را بر روی علوی در این مجموعه داستان نمی‌توان انکار کرد. «از میان این داستانها «مردی که پالتو شیک تنش بود» طنزآمیز و اجتماعی - انتقادی است. ولی دیگر داستانها خمیرمایه تندی از مسأله جنسی و دل‌تنگی‌های رومانتیک دارد. اثر داستایفسکی، آرتو شینلستر، زوایک و روانکاوی فروید و رمانتیک‌ها و اکسپرسیونیست‌های آلمانی در آن آشکار است» (دستغیب، ۱۳۵۸: ۳۵). علوی در این مجموعه داستان سعی کرده است که تصاویر دردآلود یک جامعه عقب افتاده مانند جامعه ایران آن زمان را نشان دهد و این خود نشان می‌دهد که «علوی از همان آغاز که قلم بدست گرفت، نگاهش به رنجهای اجتماعی و رنجوری‌های مردم بوده است» (دهباشی، ۱۳۸۴: ۱۳). در این مجموعه داستان علوی دیدی اجتماعی دارد و در هریک از داستان‌های این مجموعه می‌توان ردپای مسائل اجتماعی یا انسانی و گاهی انتقادی را دید.

«ورق پاره‌های زندان» دومین مجموعه داستان بزرگ علوی است که این داستان‌ها را در زندان نوشته است. علوی خود در مقدمه این مجموعه داستان می‌نویسد: «ورق پاره‌های زندان اسم بی‌مسمایی برای این یادداشت‌هایی که اغلب آن در زندان تهیه شده، نیست. در

واقع اغلب آنها روی ورق پاره‌ها، روی کاغذ قند، کاغذ سیگار اشنو و یا پاکت‌هایی که در آن برای ما میوه و شیرینی می‌آوردند، نوشته شده است و این کار بدون مخاطره نبوده است. در زندان اگر مداد و پاره کاغذی، مامورین زندان در دست ما می‌دیدند جنایت بزرگی به شمار می‌رفت» (ورق‌پاره‌های زندان، ۱۳۸۳: ۷). ورق‌پاره‌های زندان پنج داستان کوتاه را شامل می‌شود که عبارتند از: «پادننگ» (تاریخ نگارش ۶ آذر ۱۳۱۷ ه.ش)، «ستاره دنباله‌دار» (تاریخ نگارش ۶ آذر ۱۳۱۷ ه.ش)، «انتظار» (تاریخ نگارش ۱۴ دی ۱۳۱۷ ه.ش)، «رقص مرگ» (تاریخ نگارش ۸ اردیبهشت ۱۳۲۰ ه.ش) و «عفو عمومی» (تاریخ نگارش ۷ آذر ۱۳۲۰ ه.ش).

با نگاهی بر این داستان‌ها می‌توان دید که خط سیر فکری علوی تغییر می‌یابد. به بیانی بزرگ علوی از اندیشه‌های خود در مجموعه «چمدان» که بیشتر روان‌شناسی و روانتیک بود، به سوی رئالیسم و تا اندازه‌ای سوسیالیسم گرایش پیدا می‌کند؛ چنانکه در داستان «سرباز سربی» از مجموعه داستان «چمدان» می‌توان به وضوح ردپای نگاه روان‌شناسانه را دید. اما پس از مجموعه «چمدان»، علوی در «ورق‌پاره‌های زندان» به اندیشه‌های سوسیالیستی و درگیری جوانان با خفقان حاکم با زمان خود می‌پردازد (میرعابدینی، ۱۳۸۰: ۲۲). «نامه‌ها و ورق‌پاره‌های زندان داستان‌ها و مجموعه‌هایی هستند که به طور مستقیم و غیرمستقیم به زندان و زندگی در حبس می‌پردازد و پیش از این تاریخ این کار سیستماتیک و منسجم و با این وحدت موضوعی در تاریخ ادبیات داستانی ایران بی‌مانند و کم‌نظیر بود» (مهدی‌پور عمرانی، ۱۳۸۷: ۱۸). پس از چمدان، داستان‌های دیگر علوی منعکس‌کننده اندیشه‌چپ او هستند که این اندیشه‌ها در مجموعه داستان «ورق‌پاره‌های زندان» بسیار آشکار است. «علوی پس از فروید یسمی که دارد بعدها، پس از گراییدن به مارکسیسم، کوشیده شیوه‌ای به اصطلاح واقع‌بینی و سوسیالیستی را به نوشته‌هایش راه دهد» (کامشاد، ۱۳۸۴: ۱۶۷). باید گفت «قصه‌هایی هست که حاوی حقیقت زندگی و افکار مردم است (واقعیت - رئالیسم)، و در عین حال آدمی را در متن جامعه به گونه‌ای یکدیگر می‌نگرد و رهنمودی به سوی زندگی بهتر دارد» (سپانلو، ۱۳۸۱: ۱۵). در مجموعه داستان

ورق‌پاره‌های زندان، داستان «پادنگ» نیز چنین حالی دارد. در این مجموعه داستان علوی به عواطف عمیق و گاه عاشقانه زندانیان نیز توجه دارد.

کتاب «ورق‌پاره‌های زندان» نشان دهنده اوضاع و جامعه زمان بزرگ علوی است و زندانی شدن علوی در نوشتن داستان‌های رئالیستی به او کمک شایانی کرد و این زندانی شدن به او «امکان داد که از محیط نیمه اشرافی زندگانی سر راست، به میدان واقعیت‌های تلخ اجتماعی بیاید» (همان: ۷۷). علوی در این مجموعه داستان به رویدادهایی که در زندان رخ داده‌اند، توجه دارد و باید گفت که «نخستین و واقعی‌ترین گزارش‌ها از مظالم رژیم ضد مردمی را خود زندانیان سیاسی نوشتند. اینان که با گوشت و خون خود واقعیت‌های دوران سیاه بیست ساله را لمس کرده بودند، با نوشتن «خاطرات زندان» اسنادی تکان دهنده و آموزنده از سال‌های زیست خود به دست داده‌اند» (میرعابدینی، ۱۳۸۰: ۲۱۹).

۲- بحث و بررسی

۲-۱- تشبیه

علم «بیان» خود یکی از پایه‌های مهم بلاغت به شمار می‌رود و در تعریفش گفته‌اند که: «دانشی است که به یاری آن می‌توان یک یا چندین معنی را به طرق گونه‌گون ادا کرد؛ چنانکه به حسب روشنی و وضوح یا ابهام و تاریکی با هم تفاوت آشکار داشته باشند و سرانجام معانی بر ژرفای دل انسان بنشینند و کمند تسلیم بر جان شنوندگان افکنند» (تجلیل، ۱۳۹۰: ۴۲). تشبیه مهم‌ترین رکن دستگاه بلاغی است که دیگر تصاویر دیگر بلاغی چون استعاره و تشخیص از آن ناشی می‌شود.

صاحب کتاب «فنون بلاغت و صناعات ادبی» تشبیه را این‌گونه تعریف می‌کند: «آن است که چیزی را به چیزی در صفتی مانند کنند» (همایی، ۱۳۸۴: ۲۲۷). پژوهشگر دیگری در این باره می‌نویسد: «اصطلاح تشبیه در علم بیان به معنی مانده کردن چیزی است به چیزی، مشروط بر این که آن ماندگی مبتنی بر کذب یا حداقل دروغ‌نما باشد، یعنی با اغراق همراه باشد» (شمیسا، ۱۳۸۳: ۳۳). تشبیه خود به گونه‌های مختلفی تقسیم می‌شود از

جمله: «تشبیه حسی»، «تشبیه عقلی»، «تشبیه مفرد»، «تشبیه مرکب»، «تشبیه تفضیل»، «تشبیه جمع» و... .

۲-۲- تشبیه در داستان‌های علوی

در این پژوهش تلاش بر این است تا تشبیه در داستان‌های بزرگ علوی در دو مجموعه داستان «چمدان» و «ورق‌پاره‌های زندان» مورد بررسی قرار گیرد. از این رو این دو مجموعه داستان انتخاب شدند که مجموعه اول را تقریباً بدون دیدی حزبی نوشته است و دیگری را با یک دید کاملاً مارکسیستی، به گونه‌ای که ردپای تشبیهات حزبی در مجموعه داستان «ورق‌پاره‌های زندان» دیده می‌شود. از انواع تشبیه، در داستان‌های او بیشتر «تشبیه مرکب» دیده می‌شود. بزرگ علوی بیشترین تشبیهات را برای توصیف زندان، مبارزان، زنان، دوره مدرن و اندیشه‌های حزبی به کار برده است که این توصیفات بیشتر با تشبیهات از طبیعت، حیوانات، وسایل جامعه مدرن و... همراه است. می‌توان تشبیهات او را در چند دسته جای داد: ۱. توصیف اشخاص. ۲. توصیف زندان. ۳. توصیف با نگاه حزبی. ۴. توصیف اشیا. ۵. توصیف پراکنده، که این توصیفات نیز خود به زیر مجموعه‌هایی تقسیم می‌شوند که در ادامه به آنها اشاره خواهد شد.

۲-۲-۱- توصیفات اشخاص

۲-۲-۱-۱- توصیف زنان

«علوی با حوصله به زنان زیبای داستان‌هایش که در حالت دل‌باختگی نشان داده می‌شوند، می‌پردازد. این زنان فقط زیارو نیستند، از لحاظ اخلاقی نیز فرشته‌خو هستند. اصولاً علوی زنان داستان‌هایش را پر احساس، فداکار، پاکدامن و خیلی بهتر از مردان می‌آفریند. توصیف این زنان که اغلب خاستگاهی اشرافی دارند، بهانه‌ای به دست نویسنده می‌دهد تا تصویرهایی مملوء از شیفتگی از خانه‌ها و جشن‌های اشرافی ترسیم کند؛ خانه‌هایی که درباره مسائل هنری و اجتماعی بحث می‌شود و از ورای پرده‌های کلفت اتاق‌های نیمه تاریکشان، آوای سمفونی به گوش می‌رسد. زنان داستان‌های علوی چون زنان داستان‌های تورگینف، حاضرند همه زندگی خود را در راه عشق فنا کنند؛ زیرا تنها

عشق مفهوم واقعی زندگی را به آنان می‌چشانند. اما شرایط نامساعد اجتماعی آن‌ها را به سوی شکست و تیره روزی می‌راند» (میرعابدینی، ۱۳۸۰: ۲۲). این امر در تشبیهات بزرگ علوی کاملاً پیداست. در این دو مجموعه داستان تنها در داستان «سرباز سربی» اینگونه نیست و بیشتر تشبیهات زنانه در داستان «رقص مرگ» نمود پیدا کرده است.

الف. تشبیه به طبیعت

تشبیه زنان به طبیعت در صد بسیار بالایی از تشبیهات داستان‌های بزرگ علوی را به خود اختصاص داده است. البته این گونه نیست که این تشبیه تنها به علوی اختصاص داشته باشد، بلکه بیشتر شاعر و نویسندگان هنگام توصیف، زنان را به طبیعت تشبیه می‌کنند. برای نمونه به موارد ذیل اشاره می‌کنیم:

«می‌گویند دخترها وقتی به خانه شوهرشان می‌روند، مثل غنچه‌ای هستند که شکفته می‌شوند» (ورق‌پاره‌های زندان، ۱۳۸۳: ۱۵).

«او نگاهش را به لب‌های عنابی رنگ کوچک خانم دوخته بود» (همان: ۱۷).

«وقتی که متوجه شد که در این جهنم زندگی توده مردم ایران فقط یک نفر است که به او احترام می‌گذارد، مانند تشنه‌ای که به آب می‌رسد» (همان: ۲۰).

«خنده‌اش مثل آفتابی بود که از زیر ابر سر درآورد» (همان: ۱۲۷).

«دهانش مثل دهان غنچه گل لاله بود» (همان: ۱۲۷).

«حالا جایی ندارم بخوایم. مثل بید می‌لرزیم» (چمدان، ۱۳۸۷: ۹۴).

ب. تشبیه به اشیا

«گیس‌هایش مثل چوب‌های جارو نرمه توی صورتش آویزان بود» (همان: ۹۱).

«مادرش مثل عروسک راه می‌رفت» (ورق‌پاره‌های زندان: ۵۴).

«صدای ملوس مارگاریتا مثل جرینگ نقره‌ای که روی سنگ بیفتد طنین‌انداز شد» (همان: ۱۲۷).

«زنگ صدایش مثل آهنگ سکه نقره بود» (همان: ۱۲۸).

«پوستش مثل مخملی خواب‌دار بود» (همان: ۱۲۸).

«صدایش اصلاً خندان بود مثل آهنگ‌هایی که از سیم تار بیرون می‌آید» (همان: ۱۳۳).
«به آهنگ سکه نقره صدایش طنطنه می‌انداخت» (همان: ۱۴۶).

پ. تشبیه به پرندگان و حیوانات

«مگر تنش را روی دست او تکیه نداده و مثل مرغ در هوا شناور نبود؟» (چمدان: ۴۸).
«سوسکی با قد بلند و میان کمر بسته‌اش، مثل ماهی توی این جمعیت شنا می‌کرد» (همان: ۴۶).

«چشم‌های کبودش مثل چشم گربه می‌درخشید» (ورق‌پاره‌های زندان: ۱۲۸).

ت - تشبیه با بن‌مایه‌های اندیشه حزبی و مارکسیستی

«این چادر سیاه‌ها که در کنار کوچه‌ها در سرما به دیوار چسبیده‌اند، مثل خون دل‌مه شده روی زخم هستند» (چمدان: ۸۹).
در واقع علوی می‌خواهد نشان دهد که در جامعه سرمایه‌سالار هیچ زیبایی وجود ندارد و سراسر چنین جامعه‌ای را پلشتی فرا گرفته و آنچه در سایر جاها زیبایی شناخته می‌شود، اینجا زشتی به حساب می‌آید. جامعه‌ای این چنینی بی‌شک جامعه‌ای بیمار است که از تن این جامعه، خون بیرون می‌جهد و زن‌های طبقات پایین نیز همانند زخم‌هایی هستند که در تن این جامعه وجود دارند. البته این‌گونه توصیفات در داستان‌های کوتاه «ورق‌پاره‌های زندان» نمود بیشتری دارد تا مجموعه «چمدان»، اما گویی قبل از به زندان رفتن علوی و پیوستن او به گروه پنجاه و سه نفر اندیشه این چنینی در تفکر او وجود داشته‌است. گرچه خود علوی دربارهٔ مجموعه چمدان می‌گوید: «در گذشته در زمان نگارش چمدان زیر تأثیر عواطف بودم تا عقل و منطق. شاید در آن موقع تصویر دقیقی از اوضاع کشور و مبارزه نداشتم» (دهباشی، ۱۳۸۴: ۵۸۶).

ث. تشبیهات پراکنده

«او را شبیه به زن‌های دوره گذشته، شاهزاده خانم‌هایی که آدم در افسانه‌ها خوانده و در فیلم دیده کرده و شبیه به پری‌های دنیای خیال بود» (ورق‌پاره‌های زندان: ۲۸).

«موهای پُر پشت بلندش تا روی شانه‌اش آویزان بود و از دو طرف گوشش، مانند دو طره پیچ در پیچ به بلندی دست‌هایش تاب می‌خورد» (همان: ۱۲۷).
آن چیزی که بیشتر از همه در تشبیهات به چشم می‌خورد، این است که بیشترین این تشبیهات، از نوع مرکب هستند.

۲-۱-۲-۲- توصیف مبارزان

«علوی داستانسرای زندگی و روشنفکران و مبارزان سیاسی است، روشنفکران و مبارزانی که به گذشته و به نسل او تعلق دارند، و در ادبیات فارسی تصویری به گیرایی تصاویر او از چهره‌ی آنها به دست داده نشده است. تصویر علوی از روشنفکران و مبارزان سیاسی در داستان‌هایش به مقدار فراوان، تصویر چهره‌ی دردناک و تعارض‌آمیز خود اوست» (الشکری، ۱۳۸۶: ۲۸۰). بیشتر این مبارزان در داستان ورق‌پاره زندان توصیف شده‌اند و علوی در این کتاب زشت و زیبا را در کنار هم می‌نشانند. بوی گند زندانیان با عطر موسیقی (دستغیب، ۱۳۵۸: ۷).

اگر به دقت داستان‌های بزرگ علوی مورد بررسی قرار گیرد، مشخص می‌شود که در بیشتر داستان‌ها، جوان فرنگ رفته‌ای حضور دارد که دیگر نمی‌تواند آداب و رسوم را تحمل کند و سعی در مبارزه با آن دارد که این جوانان روشنفکر از طبقه مرفه جامعه برخاسته‌اند، البته این نیز از واقعیت به دور نیست، «چون تنها فرزندان آنها می‌توانستند درس بخوانند و به اروپا بروند و در پی دستیابی به تجدد با ستم قرون وسطایی رژیم رضا شاه مخالفت می‌کردند» (میرعابدینی، ۱۳۸۰: ۲۳۴). بیشتر شخصیت‌هایی که در داستان‌های بزرگ علوی حضور دارند، مبارز و انقلابی‌اند و در مقابل ظلم و استبداد به پا می‌خیزند؛ مانند ایرج در داستان «ستاره دنباله دار».

الف. تشبیه به طبیعت

«یک چنین آدم‌هایی که در عقیده و ایمان مثل کوه پابرجا هستند» (ورق‌پاره‌های زندان: ۹۲).

ب. تشبیه به پرندگان و حیوانات

«به جای «م» گویی جغدی در گوشه اتاق کز کرده بود» (همان: ۶۰).

۲-۱-۳- توصیف مردان و مردمان**الف. تشبیه به حیوانات**

«همین که ویلن بر زمین افتاد ساز زن هم فریاد زد، نعره کشید همان طوری که حیوانات وحشی تیر خورده نعره می‌کشند» (چمدان: ۵۲).

«از طرفی این هیکل و این رخت با این سرگنده رشتی، با این دماغ منقار عقابی که بی‌شبهت به دماغ یهودی‌ها نیست» (ورق‌پاره‌های زندان: ۱۲).

ب. تشبیه به حیوانات با بن‌مایه‌های حزبی

در جامعه‌ای که علوی زندگی می‌کند، رکود و عدم تحرک فکری مسخ می‌گردد، از انسانیت خارج می‌شود، آنقدر از فضایل و صفات انسانی دور می‌ماند که گاهی هم کیشان خود را فراموش می‌کند تا جایی که علوی با نگرشی هیجانی آنها را به خرسی متعفن و خواب آلود تشبیه می‌کند که بر سر راهی نشسته‌اند و مطمئناً روشنفکرانی همچون او برای تغییر نگرش و تفکر جامعه و استبداد حاکم از آن مسیر گذر خواهد کرد. جامعه مانع پیشرفت علمی و فکری می‌شود و این عاملی است که متفکرانی همچون شخصیت‌های داستان علوی را دربند یا در تبعید و یا در گوشه‌خانه منزوی می‌کند. علوی در جامعه‌ای است که زنان به دنبال روزمرگی خود و مردان آن به دنبال سرمایه‌ناچیز در محدوده خود هستند و از این رو علوی صفت «تنبلی و متعفنی» را برمی‌گزیند تا نشان دهد که آنان در مرداب یکنواخت بی‌ارزشی و پست خود، غرق می‌شوند. این تفکر در جامعه نشر می‌یابد، ادغام می‌شود و نهایتاً تمام امیدهای تغییرگرایان را از بین می‌برد تا امثال علوی مأیوس از مردم زمانه تنها به گله و شکایت بسنده کنند.

«مردم به زبان او توده‌ی منجمدی است که مثل خرس سر شاهراه‌ها خوابیده و در طوفان‌های اجتماعی مثل لوحی که با دینامیت بترکانند تبدیل به سنگریزه می‌شود و از هم می‌پاشد» (همان: ۲۱-۲۰).

«شما می فرمایید ایرج مثل همه مردم گوسفند نیست» (همان: ۲۸).

پ. تشبیه به اشیا

«تن های آن ها مانند صفحه های متحرک ماشین با همان آهنگ ساز به هم مالیده می شد» (چمدان: ۴۶).

«چشم هایش باز و بی روح مانند چشم های عروسک گچی بود» (همان: ۵۲).

«سرتا پا مثل یک مجسمه آنجا ایستاده بود» (همان: ۵۲).

«کوچیک خانم هم مانند سایر دختران شوهرش را مجسمه مهربانی و سرمنشأ لذت تصور می کرد» (ورق پاره های زندان: ۲۰).

۲-۲-۲- توصیف زندان

انور خامه ای درباره زندان قصر این چنین می نویسد: «زندان قصر در آن زمانه نشانه قدرت و هیبت استبداد به شمار می رفت و عقیده عمومی بر این بود که هر کس به این زندان افتاد، بیرون آمدنش محال است. زندان قصر همان هیبت و صلابتی را داشت که زندان پاستیل پیش از انقلاب کبیر فرانسه و مردم به همان اندازه از آن ترس داشتند» (خامه ای، ۱۳۶۲: ۱۴۸). علوی خود معتقد است که زندان قصر جای بسیار مخوف و خطرناکی است. «دیوارهای عظیم و متعددی که کریدورهای زندان را احاطه کرده، در تازه وارد چنین تأثیر می کند که گویی کسی که به دام افتاد، دیگر هرگز آزاد نخواهد شد» (علوی، ۱۳۵۷: ۸۲). در این دوره بسیاری از زندانیان سیاسی را اقشار تحصیل کرده جامعه تشکیل می دادند و اینان برای مبارزه با طبقه حاکم به پا خاسته بودند. اغلب اینان تحصیل کردگانی بودند که از خارج برگشته بودند. «بازگشت تدریجی تحصیلاتی که دولت جهت تحصیل به خارج اعزام داشته بود در کلیه شئون کشور تأثیر قطعی نهاد... اینان علاوه بر دانش نو، فکر نو، هواهای تازه ای نیز با خود آوردند. چیزی که ماهیتاً علیه استبداد مسلط بود» (سپانلو، ۱۳۸۱: ۶۷). «در میان ما دکتر و لیسانسیه زیاد است. طیب درجه اول، حقوقدان، مهندس و همه نوع علم جزو زندانیان سیاسی داریم» (ورق پاره های زندان، ۱۳۸۳: ۵۱)، اما دولت حاکم این هوای تازه را بر نمی تابد و با زندانی کردن آنان می خواهد

جلوی این حرکت را بگیرد؛ بنابراین آنان را به زندان می‌فرستد، چون آنان را مخالف منافع خود تشخیص داده است. «دوستان ما می‌آیند، آنها آزاد هستند، ما برای آنکه در فکر آزادی آنها بودیم به زندان افتاده‌ایم. آنها بوی آزادی را برای ما سوقات می‌آورند. آنها آزاد هستند و ما زندانی. ما را طبقه حاکم جامعه از خود دور کرده، ما را از جرگه خود بیرون کرده، زیرا ما را مخالف منافع خود تشخیص داده‌اند» (همان: ۵۷-۵۸).

۲-۲-۱- توصیف زندانیان و زندانبانان

الف. تشبیه به حیوانات

«هیچ یک را از میان ما نبردند، آن طوری که گوسفند را از میان گله‌ای برای کشتارگاه برمی‌گزینند» (همان: ۱۱۱).

«دیروز صبح مرتضی را از میان ما بردند، همانطوری که گوسفندی را از میان گله‌ای برای کشتارگاه می‌برند» (همان: ۱۵۴).

ب. تشبیهات پراکنده

البته ناگفته نماند این تشبیهات پراکنده را می‌توان تشبیهات ترسناک نیز نامید.

«من مثل مرده شور همه مرده‌ها را می‌شویم» (همان: ۱۰).

«ما خوشحالیم از اینکه آدم‌هایی از همان دنیایی که مثل خوره گرفتگان از ما پرهیز می‌کنند پیش ما می‌آیند» (همان: ۷۵).

«من سراپا مثل زخم ریش هستم که از آن خونابه می‌ریزد» (همان: ۷۸).

۲-۲-۲- توصیف زندان

الف. تشبیه به مسایل و امور اجتماعی

شاید به این دلیل که علوی زندان را یک محیط اجتماعی کوچک می‌داند، چه خوب چه بد، در تشبیهاتش بیشتر سعی کرده است از مسایل و اموری که مربوط به اجتماع می‌شود، بهره ببرد.

«خیال می‌کند که هفت سال حبس مثل هفت روز کار زیادی است» (همان: ۱۱).

«محکمه او هم مثل دادگاه ما خیلی حسینقلی‌خانی بوده است» (همان: ۱۳).

علوی معتقد است که دادگاهی که برای پنجاه و سه نفر برگزار شده است، به همه چیز شبیه بود به غیر از دادگاه. او بر این باور است که محکمه آن‌ها تنها از نظر شکل ظاهری، شبیه یک دادگاه بوده است. در این دادگاه پس از محاکمه پنجاه و سه نفر «در دادگستری، نه در دادگاه نظامی» افراد گروه به حبس‌های طولانی مدت بین هفت تا ده سال محکوم شدند. ارانی به ده سال حبس و علوی به هفت سال (احمدی، ۱۳۸۵: ۹۴).

«در کردورهای خاک آلود که به منزله مقبره ماست» (همان: ۹۱).

علوی گرچه در کتاب «پنجاه و سه نفر»، حوادث را با زبانی تند و انتقادی و گزارشی می‌نویسد اما در مجموعه «ورق‌پاره‌های زندان» با زبانی روان و عاطفی که به نوعی حدیث نفس و ترجمه احوال است، تصویری زنده از این ماجراها ارائه می‌دهد (بهارلو، ۱۳۷۷: ۳۲). شاید جالب‌ترین تشبیه اجتماعی که در این زمینه علوی به کار می‌برد، تشبیه «زندان» به «ده» است:

«هیچ می‌دانی که ما هم اینجا دنیایی داریم، بیولی جان، عین دنیای شما، منتها کوچک‌تر، محدودتر، دنیای ما زندانیان. دهی را تصور کن که تمام ساکنین آن هفت یا هشت خانوار باشند. در این ده کوچک‌ترین اتفاق که در شهر به نظر شما اصلاً جلوه نمی‌کند، دارای اهمیت خاصی است... در نظر داشته باشی که تمامی اهالی هر ده و تمامی اهالی این دنیا در جایگه محدودتری زندگی می‌کنند» (ورق‌پاره‌های زندان، ۱۳۸۳: ۹۵-۹۴).

۲-۲-۳- توصیفات با نگاهی حزبی

غیر از مواردی که پیش از این ذکر شد که علوی آن‌ها را با اندیشه حزبی نوشته، موارد دیگری نیز در این دو مجموعه وجود دارد که می‌توان ردپای اندیشه چپ‌گرایانه علوی را در آن دید. «علوی که در چمدان زیر نفوذ اکسپرسیونسم آلمانی بود، پس از آشنایی با دکتر ارانی و زندانی شدن، به رئالیسم اجتماعی گرایش یافت» (دستغیب، ۱۳۵۸: ۱۷). پرویز ناتل خانلری یکی از دوستان بزرگ علوی که با گروه «ربعه» نیز رفت و آمد داشت، دربارهٔ به زندان افتادن بزرگ علوی می‌گوید: «به زندان افتادن علوی به گمان من یکی از حوادث بزرگ زندگی این نویسنده بود، زیرا از این زندان به بعد ریشه‌ها و

رشته‌هایی که او را به سیاست می‌پیوست محکم‌تر شد و این نویسنده در انتخاب راه نویسندگی قدم‌های تازه‌تری برداشت، یعنی نویسنده که تا پیش از به زندان افتادن فقط مارکس را مورد مطالعه و تحقیق قرار می‌داد، پس از بیرون آمدن از زندان بکلی در جریان این اعتقاد سیاسی و اجتماعی افتاده بود» (ناتل خانلری، ۱۳۷۵: ۷۸۳). اگر به داستان‌های علوی که پس از رهایی از زندان نوشته شده، دقت شود، درستی این سخن بر ما آشکار می‌گردد که به جز نخستین مجموعه داستانش، مابقی آثارش منعکس‌کننده اندیشه چپ او هستند. نخستین مجموعه‌ای که علوی پس از رهایی از زندان منتشر کرد «ورق‌پاره‌های زندان» بود. علوی در دوره‌ای که زندگی می‌کند خوشبختی را به طلوع ستاره‌ای در چندین سال یکبار می‌داند یا اینکه نیک‌بختی انسان‌ها را در این دوره ناپایدار و متزلزل می‌داند (دستغیب، ۱۳۵۸: ۷۰).

الف. تشبیه به طبیعت

«خوشبختی هم مثل ستاره دنباله‌دار فقط یکبار در زندگی مردم پیدا می‌شود» (ورق‌پاره‌های زندان: ۲۵).

«در زندگانی خود روشن و ایرج هم یک مرتبه آن ستاره دنباله‌دار خوشبختی پیدا خواهد شد» (همان: ۳۷).

«تا دنیا را سیل خون فرا نگیرد، ساعت آزادی ما نخواهد رسید» (همان: ۵۹).

«یک چنین آدم‌هایی که در عقیده و ایمان مثل کوه پابرجا هستند» (همان: ۹۲).

ب. تشبیه به حیوانات

«دیروز صبح مرتضی را از میان ما بردند، همانطوری که گوسفندی را از میان گله‌ای برای کشتار گاه می‌برند» (همان: ۱۵۴).

«من هم قوه‌ای هستم و باید میدانی برای بال و پر زدن پیدا کنم» (چمدان: ۲۳).

۲-۲-۴- توصیفات اشیا**الف. تشبیهات به اشیای مدرن**

«تکان ملایم اتومبیل مرا مثل بچه‌ای که در گهواره انداخته باشند به آرامی به خواب برد» (چمدان: ۹).

«تن‌های آن‌ها مانند صفحه‌های متحرک ماشین با همان آهنگ ساز به هم مالیده می‌شد» (همان: ۴۶).

«تکان تمام جمعیت مثل حرکت یک لکوموتیو با همان جوش و خروش، با همان غلیان و با همان فشار رو به یک طرف بود» (همان: ۴۶).

«آنها را زیر منگنه ظلم نابود می‌کردند» (ورق‌پاره‌های زندان: ۱۰).

«دو چشمی که همیشه مثل دو قطب مغناطیس اشخاص را جذب می‌کرد» (همان: ۳۶).

«چشم‌های من لامپ این رادیو هستند» (همان: ۶۰).

«خواب دیدم که چشم‌هایم می‌درخشد، مثل اینکه دو نورافکن اتومبیل توی چشم‌هایم کار گذاشته‌اند» (همان: ۵۳).

«دیگر پیچ و مهره این اجتماع در دست همه ماها هست» (همان: ۹۹).

۲-۲-۵- توصیفات پراکنده**الف. تشبیه به طبیعت**

«سر درخت‌ها مانند موج آب تکان می‌خورد» (چمدان: ۱۷).

«این مهتاب مثل چرک سفید است که روی خیابان‌های طرف جنوب شهر ریخته شده» (همان: ۸۹).

ب. تشبیه به حیوانات

«وقار شترمابی او با زندگی مشوش و پریشان من» (همان: ۷).

«نوی خشک و بی‌ارتعاش ساز مانند نعره گربه در شب‌های بهار با همه جمعیت مخلوط می‌شد» (همان: ۴۷).

پ. تشبیه به اشیا

«مانند جوان تازه عاشقی که دست به زلفان یارش بزند، دستی به سیم‌ها کشید»
(همان: ۵۲).

«یک از این سربازهایی که آن وقت با هم درست می‌کردیم اما نکرده و بی‌قد و قباره
و لخت، مثل غول بیابانی، باقی‌شو نمی‌تونم بگم» (همان: ۹۱).
«ای کاش شاعر بودم و می‌تونستم بگویم: ردایی چون زلفان یارم سیه» (همان: ۹۹).

ت. تشبیه پراکنده

«چشم‌های درشتش را بسته و با صورت خشکی که مانند جمجه مُرده به نظر می‌آمد»
(چمدان: ۴۷).

«سعادت دخترش هم مثل سعادت او بی‌پایه و بر باد است» (ورق‌پاره‌های زندان: ۳۸).

نتیجه‌گیری

بزرگ علوی از داستان‌نویسان بزرگ ایران است که پس از مجموعه داستان اولش «چمدان»، با اندیشه‌های چپ‌گرایانه آشنا گردید و در سایر مجموعه داستان‌ها و رمان‌هایش این اندیشه را به کار برد. در دو مجموعه داستانی که در این نوشتار مورد بررسی قرار گرفت به خوبی مشخص شد که این اندیشه‌ها در مجموعه داستان دومش یعنی «ورق‌پاره‌های زندان» نمود پیدا می‌کند. از مهم‌ترین تشبیهاتی که در داستان‌های علوی به وفور یافت می‌شود، تشبیه زنان است که بیشتر آنها را به طبیعت تشبیه می‌کند. وی مبارزان را نیز به نمودهای طبیعی به ویژه «کوه» که خود مظهر مقاومت است، مانند می‌کند. البته ناگفته نماند با توجه به اینکه جامعه ایران رو به تجدد پیش می‌رود و دنیا نیز در حال ماشینی شدن است، تشبیهاتی نیز در داستان‌های علوی وجود دارد که به وسایل ماشینی مانند: ماشین، لکوموتیو و رادیو اشاره دارد. بیشتر تشبیهاتی که علوی در داستان‌هایش به کار می‌برد، تشبیهات مرکب هستند؛ به ویژه آنهایی که در تشبیه زنان مورد استفاده واقع می‌شود.

منابع و مآخذ

۱. احمدی، حمید. (۱۳۸۵). *تاریخچه فرقه جمهوری انقلابی ایران و ارانی*. تهران: اختران.
۲. بزرگ علوی، مجتبی. (۱۳۸۳). *ورق‌پاره‌های زندان*. چاپ اول. تهران: نگاه.
۳. _____ . (۱۳۸۷). *چمدان*. چاپ چهارم. تهران: نگاه.
۴. بزرگ‌علوی، مجتبی. (۱۳۵۷). *پنجاه و سه نفر*. تهران: انتشارات جاویدان.
۵. بهارلو، محمد. (۱۳۷۲). *داستان کوتاه ایران*. تهران: طرح نو.
۶. _____ . (۱۳۷۷). *گزیده آثار علوی*. تهران: علم.
۷. تجلیل، جلیل. (۱۳۹۰). *معانی و بیان*. چاپ دوم. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۸. خامه‌ای، انور. (۱۳۶۲). *پنجاه نفر و سه نفر*. [بی‌جا]: هفته.
۹. دریابندری، نجف. (۱۳۵۲). *مینوی پژوهشگر ستیهنده*. (گفت‌وگو با مینوی). پاییز. **کتاب امروز**. صص: ۱۹-۲.
۱۰. دستغیب، عبدالعلی. (۱۳۵۸). *نقد آثار بزرگ علوی*. چاپ اول. تهران: فرزانه.
۱۱. دهباشی، علی. (۱۳۸۴). *یاد بزرگ علوی*. چاپ اول، تهران: ثالث.
۱۲. رستگار فسایی، منصور. (۱۳۸۰). *انواع نثر فارسی*. چاپ اول. تهران: سمت.
۱۳. سپانلو، محمدعلی. (۱۳۸۱). *باز آفرینی واقعیت*. چاپ نهم. تهران: نگاه.
۱۴. سجادی، محمدعلی. (۱۳۶۹). *گفت و شنود*. چاپ اول. تهران: اوجا.
۱۵. الشکری، فدوی. (۱۳۸۶). *واقع‌گرایی در ادبیات داستانی معاصر ایران*. چاپ اول. تهران: نگاه.
۱۶. شمیسا، سیروس. (۱۳۸۳). *بیان و معانی*. چاپ هشتم. تهران: فردوس.
۱۷. کامشاد، حسن. (۱۳۸۴). *پایه‌گذاران نثر جدید فارسی*. چاپ اول. تهران: نی.
۱۸. مندنی‌پور، شهریار. (۱۳۸۴). *کتاب ارواح شهرزاد (سازه‌ها و شگردها و فرم‌های داستان)*. چاپ دوم. تهران: ققنوس نو.
۱۹. مهدی‌پور عمرانی، روح‌الله. (۱۳۸۷). *ادبیات زندان*. چاپ اول. تهران: آفرینش.

۲۰. میرعابدینی، حسن. (۱۳۸۰). **صد سال داستان‌نویسی در ایران**. ۲ جلد. چاپ دوم. تهران: چشمه.
۲۱. ناتل خانلری، پرویز. (۱۳۷۵). «خاطراتی از بزرگ علوی». **مجله کَلک**. شماره ۸۳-۸۰. صص: ۷۷۸-۷۷۸.
۲۲. همایی، جلال‌الدین. (۱۳۸۴). **فنون بلاغت صناعات ادبی**. چاپ بیست و چهارم. تهران: هما.

References

- Ahmadi, H. (1385). *The History of Revolutionary Republic of Iran and Arani Fractions*. Tehran: Akhtaran.
- Al-Shokri, F. (1386). *Realism in Contemporary Fiction Literature of Iran*. 1st Edition. Tehran: Negah.
- Baharloo, M. (1372). *Short Story in Iran*. Tehran: Academic Publication Center.
- Baharloo, M. (1372). *The Selected Books of 'Alavi*. Tehran: 'Elm.
- Bozorg 'Alavi, M. (1383). *Scrap Papers from Prison*. 1st Edition. Tehran: Negah.
- Bozorg 'Alavi, M. (1387). *The Suitcase*. 4th Edition. Tehran: Negah.
- Bozorg 'Alavi, M. (1357). *The Group of Fifty-Three People*. Tehran: Javidan Press.
- Daryabandari, N. (1352). "Minavi the Non-Conformist Researcher. (A Conversation to Minavi)". *Paez. Ketab-e Emrooz*. pp: 2-19.
- Dastgheib, A. (1358). *A Criticism to the Books of Bozorg 'Alavi*. 1st Edition. Tehran: Farzaneh.
- Dehbashi, A. (1384). *A memorial to Bozorg 'Alavi*. 1st Edition. Tehran: Sales.
- Homaii, J. (1384). *Techniques of Literary Devices Rhetoric*. 24th Edition. Tehran: Homa.
- Kameii, A. (1362). *Fifty-Three People*. Anonymous: Hafteh.
- Kamshad, H. (1384). *The Founders of Modern Persian Prose*. 1st Edition. Tehran: Ney.
- Mahdipour 'Omran, R. (1387). *Prison Literature*. 1st Edition. Tehran: Afarinesh.
- Mandanipoor, Sh. (1384). *The Book of Shahrzad Souls (Structures and Strategies and Forms of Story)*. 2nd Edition. Tehran: Ghoghnoos-e Now.
- Mirabedini, H. (1380). *One Hundred Years Story Writing in Iran*. 2 Volumes. 2nd Edition. Tehran: Cheshmeh.
- Natel Khanlari, P. (1357). "Some Memories from Bozorg 'Alavi". *Journal of Kelk*. Issue 80-83. pp: 778-788.
- Rastegar Fasaii, M. (1380). *Variety of Persian Prose*. 1st Edition. Tehran: Samt.
- Sajjadi, M. A. (1369). *Conversation*. 1st Edition. Tehran: Owja.
- Sepanloo, M. A. (1381). *Recreation of Reality*. 9th Edition. Tehran: Negah.
- Shamisa, S. (1383). *Rhetoric & Semantics*. 8th Edition. Tehran: Ferdows.
- Tajlil, J. (1390). *Semantics & Rhetoric*. 2nd Edition. Tehran: Academic Publication Center.